

## آشنایی با مراجع قضایی بین‌المللی (۵)

### - شکل و مراحل رسیدگی

الف: گرچه اصول مربوط به آئین دادرسی دیوان مندرج در منشور، اشاره به اقامه دعوی در نزد دیوان، با حضور تمامی اعضاء دیوان دارد، مضافاً بعنوان يك قاعده عمومی صاحبان حق می‌توانند دعوی خود را در نزد شعب مطرح نمایند.

زبان رسمی و معمول به دیوان، زبانهای انگلیسی و فرانسه می‌باشد که دارای ارزش و اعتبار مساوی و یکسان خواهد بود، طرفین دعوی می‌توانند موافقت نمایند دعوی آنان فقط به یکی از دو زبان یاد شده اقامه گردد. دیوان می‌تواند به درخواست یکی از طرفین دعوی، زبان دیگری غیر از زبانهای یاد شده را مجاز نماید، معذک در صورت رسیدگی به دو زبان یا زبانهای مختلف، دیوان می‌بایست حکم خود را براساس دو زبان رسمی انگلیسی و فرانسه صادر نماید.

دیوان دادگستری بین‌المللی، خود معین می‌نماید کدام متن بعنوان متن معتبر قابلیت استناد خواهد داشت. لیکن درصورتیکه تنها يك زبان، معمول در دعوی باشد. متون دادرسی (اعم از لوائح طرفین، استماع اظهارات اصحاب دعوی،

ایرادات و غیره) می‌تواند بزبان یا زبانهای دیگری نیز تنظیم گردد لیکن متن یا متون اخیرالذکر، بعنوان ترجمه غیررسمی و متن غیرمعتبر تلقی خواهد شد. این موضوع را می‌توان از مندرجات ماده ۳۹ اساسنامه دیوان دادگستری بین‌المللی استنتاج نمود.

آئین دادرسی دیوان (اعم از رسیدگی با تمام اعضاء یا رسیدگی توسط شعب) در قسمت سوم بخش ج مقررات دیوان (سال ۱۹۷۸) و نیز در قطعنامه مربوط به روشهای داخلی امور قضایی دیوان، بسال ۱۹۷۸ مسطور است.

مهم‌ترین مراحل رسیدگی مربوط به تصمیم‌گیری درخصوص ایرادات بدوی<sup>(۱)</sup> (نسبت به صلاحیت دیوان در رسیدگی به دعوی)، صدور دستور موقت<sup>(۲)</sup> (بمنظور حمایت از حقوق صاحب حق احتمالی)، تبادل لوائح، استماع اظهارات اصحاب دعوی و صدور حکم و انتشار آن می‌باشد.

ب: قرارهای منطبق با دادرسی دیوان، بدو تعیین کنند اشکال و محدوده زمانی است که در آن اصحاب دعوی می‌بایست دلایل خود را ارائه نموده، و نظرات نهایی خود را در قالب لوائح اعلام دارند، وفق ماده ۴۸ اساسنامه دیوان، این ضوابط دربرگیرنده ترتیبات مربوط به تأمین دلیل نیز خواهد بود.

چنین قرارهایی می‌تواند ابزاری باشد که دعاوی را از لیست مربوطه خارج می‌سازد مثلاً بلحاظ پس گرفتن دعوی ازجانب احد از متداعیین، ضرورت به خروج دعوی از لیست دعاوی مورد رسیدگی دیوان مشهود می‌گردد یا اینکه احد از متداعیین، توسط تقاضانامه یکجانبه‌ای، به دعوی قراخوانده شدباشدولی آن‌کشور از پذیرش صلاحیت دیوان در آن مورد اجتناب نموده و تعهداتی را دراین زمینه نپذیرد.

1. Preliminary objections.

2. Interim Measures of protection.

ج: تصمیمات متخذه درخصوص ایرادات صلاحیتی (بدوی) براساس اساسنامه دیوان اتخاذ نخواهد شد بلکه دیوان وفق ماده ۷۹ مقررات خود (سال ۱۹۷۸) مبادرت به اتخاذ تصمیم درخصوص ایرادات صلاحیتی اعلامی از جانب احد از متداعیین خواهد نمود.

ایرادات صلاحیتی سابقه طولانی در رویه عملی دیوان دادگستری بین‌المللی داشته و به تناوب از جانب متداعیین عملی گردیده است و این ایرادات در بدو امر تأثیر بسیار قطعی در پذیرش دعوی طرف دیگر داشته و نیز می‌تواند صلاحیت دیوان را مخدوش نماید و لذا دیوان در این زمینه می‌بایست مبادرت به اتخاذ تصمیم ماهوی نماید (اولین حکم دیوان در زمینه ایراد صلاحیتی که مؤثر در دعوی بوده است بسال ۱۹۵۲ در قضیه آمباتیه لوس اتفاق افتاده است).<sup>(۱)</sup>

ایرادات صلاحیتی شبه‌انگیز نظیر ادعای صلاحیت دادگاههای ملی بر دعوی مورد بحث و یا ادعای وجود حقوق محفوظه درخصوص دعوی مورد بحث در هنگام صدور اعلامیه پذیرش صلاحیت اجباری دیوان دادگستری بین‌المللی در جریانات دادرسی‌های دیوان تاکنون تأثیر فزاینده‌ای داشته است.

بعنوان يك اصل، ایرادات بعدی فقط از جانب خواننده مقبول خواهد بود و آنهم فقط در صورتیکه طی اعلامیه‌ای به دیوان ارسال گردد و اصولاً کلیه ایرادات می‌بایست قبل از شروع به رسیدگی به موضوع از جانب دیوان مطرح گردد در غیر اینصورت این ایرادات غیرقابل قبول تلقی خواهند شد. چه از جانب خواهان صورت گرفته باشد یا از جانب خواننده بعبارت دیگر از چنین ایرادات صلاحیتی، اینگونه به ذهن متبادر می‌گردد که کلیه تلاشهای اصحاب دعوی برای رسیدن به يك توافق غیرقضایی حل مسالمت‌آمیز اختلافاتشان، نظیر استفاده از اهرمهای

1. Ambatielos case 2 1952.

برای مطالعه بیشتر رجوع کنید به:

- International court of justice 2 1986

سیاسی، میانجیگری و سازش، منجر به شکست گردیده است و یا اصولاً طرفین یا یکی از آنها تمایلی به استفاه از طرق فوق‌الذکر ندارد.

در مواردیکه دولتها دعاوی خود را در رابطه نقض حقوق شهروندان خود از جانب دولت دیگر در دیوان دادگستری بین‌المللی اقامه می‌نمایند امکان بروز ایرادات صلاحیتی نیزمتصور می‌باشد (قضیه اینترهاندل به سال ۱۹۵۹<sup>(۱)</sup>).

همانگونه که در قبل گفته شد، در تمامی موارد ایرادات صلاحیتی چون موضوع مربوط به ماهیت دعوی می‌گردد، دیوان می‌بایست در این زمینه مبادرت به صدور حکم نماید به عبارت دیگر هرگاه تصمیم دیوان مربوط به ماهیت دعوی باشد تصمیم‌گیری دیوان حکم<sup>(۲)</sup> نامیده می‌شود و در غیر این صورت این تصمیم، قرار<sup>(۳)</sup> نامیده می‌شود پس می‌توان تصمیم‌گیری دیوان در زمینه ایرادات صلاحیتی را حکم اولیه<sup>(۴)</sup> نامید و این موضوع می‌بایست کاملاً از دستور موقت که آنهم نوعی قرار اولیه است تفکیک گردد.

بعبارت دیگر حکم اولیه یا عکس‌العمل دیوان در خصوص ایرادات صلاحیتی، می‌تواند دیوان را صالح به رسیدگی بعدی نماید یا اینکه اصولاً دیوان را فاقد صلاحیت رسیدگی اعلام نماید.

بدیگر سخن حکم اولیه در حقیقت، تصمیم دیوان، قبل از رسیدگی به ماهیت دعوی مطروحه است. لیکن چون در رسیدگی ماهوی مؤثر است، دیوان باید در این خصوص مبادرت به صدور حکم نماید. ولی در خصوص قرار موقت<sup>(۵)</sup> (دستور موقت)، دیوان قبلاً در مورد ایراد صلاحیتی خود اظهارنظر

1. Interhandel case 1959 : and also ref. To:

- International court of justice 1986 op. cit.

2. Judgment.

3. order.

4. Interim Judgment.

5. Interim measures of protection - provisional measures.

اظهار نظر مثبت نموده و خود را صالح دانسته و در هنگام رسیدگی به ماهیت دعوی جهت حفظ حقوق فردی که دیوان در نهایت آنرا ذیحق تشخیص می‌دهد مبادرت به صدور چنین دستوری می‌نماید که تفصیل آن در مباحث بعد خواهد آمد.

د- دیوان دادگستری بین‌الملل نشان داده است که می‌توان برای صیانت از حقوق یکی از متداعیین مبادرت به صدور دستور موقت نمود این موضوع نه تنها در ماده ۴۱ اساسنامه دیوان دادگستری بین‌الملل قید گردیده، بلکه رویه عملی دیوان نیز بارها موید موارد مندرج در اساسنامه دیوان در خصوص صدور دستور موقت بوده است. این دستورات صرفاً با قصد حفظ وضع موجود جهت عدم تضییع حق یکی از اصحاب دعوی صادر می‌گردد و تعهداتی را بردوش خوانده قرار می‌دهد که فرد را یارای گریز از آن نمی‌باشد. و این مورد صرفاً در مواقعی صورت می‌گیرد که دعوایی نزد دیوان مطرح باشد.

بدیگر سخن دستور موقت از جانب دیوان در هنگام رسیدگی ماهوی، فقط برای مواردی صادر می‌شود که در صورت عدم صدور دستور موقت حق یکی از اصحاب دعوی تقویت گردد بگونه‌ای که احیاء آن حق عملی نبوده یا باز گرداندان آن حق بسیار مشکل باشد. نهاد صدور دستور موقت از لحاظ تاریخی منبعت از معاهدات برایان<sup>(۱)</sup> (۱۴ - ۱۹۱۳) و نیز عملکرد دیوان دادگستری امریکای مرکزی که این دستور را در سه مورد اجراء نمود و همچنین قانون عمومی حل مسالمت‌آمیز اختلافات بین‌المللی حوزه پاسیفیک<sup>(۲)</sup> (۱۹۴۹ - ۱۹۲۸) می‌باشد.

دیوان دادگستری بین‌المللی می‌تواند بدون هرگونه پیشداوری نسبت به ذیحق بودن یا نبودن یکی از متداعیین مبادرت به صدور دستور موقت نماید. در دعوایی که نزد وی مطرح است، دیوان می‌تواند ضرورت دستور موقت را نه فقط

1. Bryan treaties (1913 / 1914).

2. General Act for pacific settlement of Disputes.

بدرخواست یکی از اصحاب دعوی، بلکه بابتکار خود با توجه به صلاحیتش، اعلام نموده و مبادرت به صدور آن نماید. وفق ماده ۴۱ دیوان در این هنگام می‌بایست اعلامیه دستور موقت (با معیارهایی که ضرورت صدور دستور موقت را باعث گردیده است) را به متداعیین و شورای امنیت سازمان ملل متحد ارسال دارد.

دیوان می‌تواند معیارهایی فراری معیارهای ارائه شده از جانب یکی از اصحاب دعوی را مبنای صدور دستور موقت قرار دهد (بنحوی که در قضیه شرکت ملی نفت ایران - انگلیس<sup>(۱)</sup> بسال ۱۹۵۲ مشاهده نمودیم) و یا می‌تواند از صدور دستور موقت به تقاضای یکی از اصحاب دعوی خودداری ورزد (بنحوی که در قضیه فلات قاره دریای اژه<sup>(۲)</sup> ملاحظه نموده‌ایم).

دستور موقت در تمامی موارد فوق، ماهیت توصیه‌ای نداشته بلکه برای طرفین التزام‌آور است حتی اگر طرفین داوطلبانه آنرا قبول ننمایند.

طرفین می‌توانند، طی یک موافقتنامه ویژه یا اعلامیه یک جانبه متعهد به حفظ وضع<sup>(۳)</sup> موجود گردند.

باتوجه به مطالب فوق مبرهن می‌گردد که دستور موقت تا تصمیم دیوان دادگستری بین‌المللی مبنی برحفظ وضع موجود به نفع یکی از اصحاب دعوی، حکم به مفهوم موجود در ماده ۹۴ منشور ملل متحد نمی‌باشد تا شورای امنیت بتواند آنرا بمورد اجراء گذارد. پس سؤالی که پیش خواهد آمد این است که ضمانت اجرایی دستور موقت صادره از جانب دیوان چیست؟

ضمانت اجرایی عدم رعایت دستور موقت دیوان، علاوه بر تسریع در محکومیت خواننده، می‌تواند موجبات مسئولیت بین‌المللی وی را فراهم سازد که در آن صورت دیوان می‌تواند بخواسته ذینفع، جبران خسارت را در قالب حکم

1. Anglo - Iranian oil company case 1952.

2. Aegean Sea continental shelf case 1978.

3. Status quo.

مطرح نموده، و اجرای حکم (پرداخت خسارت ناشیه از عدم اجرای دستور موقت) را از شورای امنیت سازمان ملل متحد درخواست نماید.

هـ) در رسیدگی مکتوب، طرفین می‌بایست لوایح و تذکاریه‌های خود را در شکل مشخص شده در قرارداد ارجاع دعوی به دیوان، تنظیم و تقدیم نمایند و در مواردی که تقاضانامه‌های یکجانبه به دیوان تقدیم می‌شود، تذکاریه می‌بایست به طرف مقابل ابلاغ گردد.

در پاسخ به تذکاریه ارسالی دیوان به طرف مقابل، معمولاً طرف یاد شده مبادرت به ارسال لایحه دفاعیه می‌نماید و عنداللزوم طرف اول نیز می‌تواند پاسخ طرف خوانده را بدهد، و تبدیل لوایح تا جائیکه ضروری تشخیص داده شود، ادامه داشته باشد. در مورد تقاضای یکجانبه پاسخ طرف اتهام (خوانده تقاضانامه) نیز دریافت خواهد شد.<sup>(۱)</sup>

محدوده زمانی ارسال مراسلات و نیز سایر جزئیات دیگر بوسیله قرارهایی که در دادرسی دیوان مطرح می‌باشد، صورت خواهد گرفت در دادرسی مکتوب، اصحاب دعوی می‌بایست تمامی اسناد مربوط به دعوی را ارائه نموده و دلایل خویش را اقامه نمایند در صورت استنکاف از جانب یکی از اصحاب دعوی، وفق ماده ۴۹ اساسنامه دیوان دادگستری بین‌المللی، دیوان می‌بایست يك یادداشت رسمی به مستنکف بدهد.

دیوان خود را محدود به دلایل تقدیمی توسط اصحاب دعوی نمی‌نماید، بلکه می‌تواند سایر اطلاعات جنبی را نیز از مراجع مختلف بدست آورد و نیز برای اقتناع وجدانی خویش از افراد یا نهادهایی که وظیفه تحقیق را بعهده دارند، استمداد جسته و یا از نظر متخصصان فن (خبرگان) استفاده نماید.

و) رسیدگی شفاهی (سماعی) با استماع اظهارات اصحاب دعوی شروع

(۱) - برای مطالعه بیشتر رجوع نموده به بند ۲ ماده ۴۲ منشور و همچنین مواد ۴۴ و مواد بعدی آن، قواعد

شده که این رسیدگی بعد از اتمام رسیدگی مکتوب (تبادل لوایح) صورت می‌گیرد. اصحاب دعوی می‌توانند نمایندگان را معرفی نمایند تا در دادگاه حضور یابند و بعنوان نماینده آنان دفاع نمایند، آنان می‌توانند، از معاضدت مشاوران یا وکلاء استفاده نمایند و وفق ماده ۴۲ اساسنامه دیوان دادگستری بین‌المللی آنان حق تقدیم لوایح به دیوان را دارا می‌باشند. رسیدگی شفاهی علنی بوده و گفتار گویندگان، عیناً ضبط و ثبت می‌گردد، برطبق مواد ۴۳ و ۴۵ تا ۴۷ اساسنامه دیوان دادگستری بین‌المللی. دیوان می‌تواند به تقاضای اصحاب دعوی یا در صورتیکه ضرورت اقتضاء نماید. جلسه علنی را تبدیل به جلسه غیرعلنی نماید.

شهود، متخصصان و خبرگانی که نامشان در رسیدگی مکتوب قید گردیده احضار و اظهاراتشان استماع خواهد شد و اسنادی که قبلاً تقدیم دیوان شده، برویت آنان رسیده و در آن خصوص تبادل نظر می‌گردد. برطبق مادتين ۵۱ و ۵۲ اساسنامه دیوان دادگستری بین‌المللی، در صورت رضایت طرف دیگر دلایلی که در هنگام دادرسی کتبی فراموش شده در این مرحله قابل جرح و بحث خواهد بود. دلایل تقدیمی به دیوان توسط اصحاب دعوی با رعایت اصل استقلال توسط دیوان ارزیابی می‌گردد.

برخلاف رسیدگی در دیوانهای داوری، اگر احد از متداعیین از حضور در دیوان دادگستری بین‌المللی در مرحله رسیدگی شفاهی خودداری ورزد یا از دفاع از دعوی خود، استنکاف نماید طرف مقابل می‌تواند درخواست، اتخاذ تصمیم جهت ختم رسیدگی و صدور حکم مقتضی بنماید و برطبق ماده ۵۲ اساسنامه دیوان دادگستری بین‌المللی، دیوان پس از دریافت چنین درخواستی بپا وجود شرایط فوق می‌بایست مبادرت به صدور حکم ماهوی نماید.

ادامه دارد